

لیسانس فلسفه و از دانشگاه زوریخ دکترای فلسفه و دکترای ادبیات گرفته گویی او نیز همچون پیشکسوتان خود مارکس و لوگزامبورگ دریافته بود که برای نقد نظام سرمایه‌داری، فلسفه، تاریخ، اقتصاد سیاسی، حقوق و جامعه‌شناسی تا چه پایه به یکدیگر پیوسته‌اند.

### آثار

رساله دکترای فلسفه او نخست با عنوان «انسان، اجتماع و جهان در فلسفه ایمانوئل کانت: پژوهشی درباره تاریخ دیالکتیک» و سپس با عنوان «درآمدی بر فلسفه کانت» به فرانسه ترجمه شد.

رساله او برای دکترای ادبیات، درباره پاسکال و راسین بود: «خدای پنهان». این اثر نخستین تحلیل عظیم مارکسیستی از ادبیات و فلسفه در فرانسه است که به بررسی نگرشی ترازیک در اندیشه‌های پاسکال و نمایش نامه‌های راسین اختصاص دارد. گلدمن هفت سال کار پیوسته را به نگارش این اثر اختصاص داد که بر ساختارهای ذهنی جمعی ناشی از گروه‌های اجتماعی، تأکید دارد. این کتاب ادامه بررسی پیشین او درباره کانت است و در افق نظری یک بررسی جامع درباره اندیشه دیالکتیکی، جای می‌گیرد که قرار بود با یک تحقیق درباره گوته و یکی دیگر درباره مارکس، دنبال شود.

پیش از اتمام خدای پنهان برای مجموعه «دانش نامه جدید فلسفی» کتابی تحت عنوان «علوم انسانی و فلسفه» نوشت. در این اثر در برابر پوزیتویسم در جامعه‌شناسی و در فلسفه به مجادله‌ای پرشور و تیزبینانه دست زد و دیالکتیک مارکسیستی را با استادی کم‌نظیری به کار برد. او همیشه از نفوذ بی‌رحمانه پوزیتویسم به پژوهش‌های جامعه‌شناختی گله‌مند بود و از این رو برای تلیق عالمانه

«بورژوازی پیوندها را از هم درید و ارتباط دیگری میان انسانها به جز منفعت‌طلبی، عریان، به جز پول بی‌رحم باقی نگذاشت. بورژوازی شور جذبۀ غیرت مذهبی، اشتیاق قهرمانانه و نیز احساساتی‌گری عوامانه را در آبهای سرد حسابگریهای خودپرستانه غرقه کرد. بورژوازی برای لیاقت شخصی ارزش مبادله قائل شد و به جای آزادیهای انکارناشدنی بیشمار تنها آن آزادی نامعقول خاص را نشانده، آزادی تجارت را» (وین، ۱۳۸۱، ۱۱۳).

کارل مارکس بیش از یک قرن است از دنیا رفته و در این سالها، نظریات و ایده‌های او در سراسر دنیا پراکنده شده انقلابهایی به بار آورده نظام‌های اجتماعی ساخته و متفکرانی پرورده که از آن میراث پرمایه علمی و نظری الهام گرفته و معانی آن را در عرصه‌های مختلف بسط داده‌اند. لوسین گلدمن از این دست متفکران است.

### زندگی

نود سال پیش، رومانی، حضور مرد دیگری را در اقلیم تفکر مارکسیستی خوشامد گفت. لوسین گلدمن، فلسفه و اقتصاد سیاسی آموخت و به جامعه‌شناسی پرداخت. با نظریات مارکسیستی و مکتب نوپای فرانکفورت آشنا شد و کتاب «تاریخ و آگاهی طبقاتی» اثر لوکاج ذهن او را زیرورو کرد.

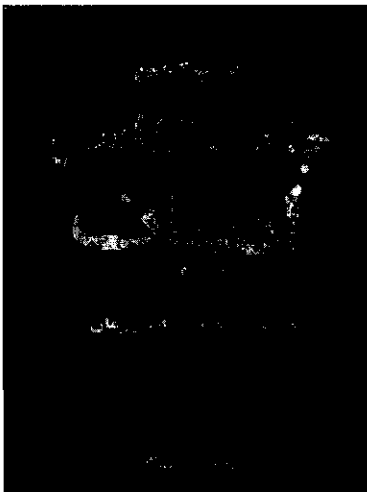
او که مدتی دستیار ژان پیازه بود، با الهام از شناخت‌شناسی تکوینی وی، «ساختارگرایی تکوینی» را آفرید و بدین ترتیب کوششی موفقیت‌آمیز در تقویت روش‌شناسی مارکسیستی انجام داد.

موقعی‌های دشوار بی‌پولی و زنان را تجربه کرد. شاگرد لباس‌شویی و روزنامه فروشی شد. از دانشگاه سوربن دکترای اقتصاد سیاسی، لیسانس زبان آلمانی و

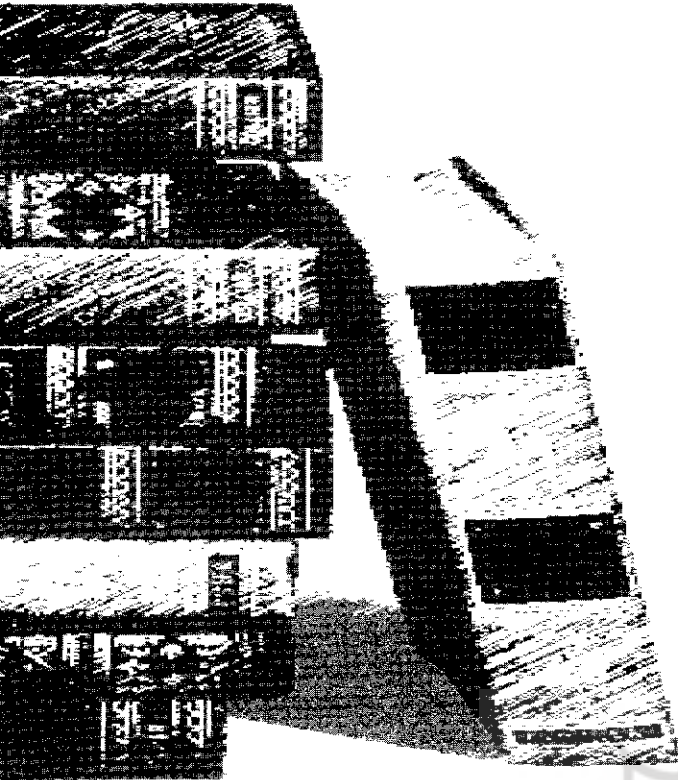
# جامعه‌شناسی رمان

## لوسین گلدمن

فرحناز حسام  
پژوهشگر اجتماعی



- جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)
- لوسین گلدمن
- محمدجعفر پوینده
- هوش و ابتکار
- ۱۳۷۱، ۴۱۳ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۵۲۰ تومان



روشها در علوم انسانی کوشش نمود.

پس از آن «پژوهشهای دیالکتیکی» را که مجموعه‌ای از بررسیهای نظری مارکسیستی و تحلیل در عرصه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبیات و فلسفه است، منتشر کرد.

### سوابق حرفه‌ای

گلدمن، مقارن برگزیده شدن به مدیریت گروه پژوهشی در دانش سرای عالی پاریس (E.P.H.E)، کرسی جامعه‌شناسی ادبیات و فلسفه را بنیاد گذاشت. این جایگاه به ویژه بر محور بررسی اندیشه فلسفی و مارکسیستی، فلسفه اگزیستانسیالیستی و مسائل روش‌شناختی جامعه‌شناسی رمان، متمرکز بود. در سال ۱۹۶۱ انستیتوی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد بروکسل از گلدمن خواست تا «مرکز جامعه‌شناسی ادبیات» را تأسیس کند و سه سال بعد خود وی به ریاست آن مرکز برگزیده شد. انتشار مجموعه‌ای از بررسیها درباره رمانهای آندره مالرو و رمان نو تحت عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)» حاصل همین دوره است.

گلدمن در آخرین سالهای زندگی بیشتر دل‌نگران مسائل سیاسی و عقیدتی و اجتماعی جامعه مدرن معاصر بود. دو کتاب آخر او «ساختارهای ذهنی و آفرینش فرهنگی» و «مارکسیسم و علوم انسانی» نشان‌دهنده کوشش پیگیر او در تحلیل همه جانبه جامعه سرمایه‌داری است. کتاب مارکسیسم و علوم انسانی که چند ماه پس از مرگ گلدمن منتشر شد، برداشتی فراگیر از عرصه‌های متنوعی است که اندیشه گلدمن پیموده است. ژاک لئار می‌نویسد: گلدمن در این اثر واپسین خود سرایا رزمند و پرشور است و در دو جبهه پیکار می‌کند. از یک سو در زمینه تمام مسائل مربوط به برداشت عام از جامعه و از سوی دیگر در عرصه تعریف و کارکرد فرهنگ. (گلدمن، ۱۳۷۶)

اندیشه اساسی در مارکسیسم و علوم انسانی به عنوان سیاسی‌ترین اثر گلدمن این است که در هر لحظه فراسوی ارزیابیهای اخلاقی، فلسفی یا سیاسی باید به مطالعه خود پدیده‌ها و گرایشهای واقعیت روی آورد. سامی نعیر معتقد است (همان، ص ۷۵) آثار گلدمن نشانه بازگشتی به مارکسیسم مارکس است. بازگشتی نه فقط به نظریه مارکس بلکه به روش‌شناسی مارکسیستی که در پی یک قرن تفسیرها و تشریحهای گوناگون همچنان کارآمد و موثر است. میشل لووی گلدمن را با ارنست بلوخ مقایسه می‌کند که آموزه‌اش عبارت از بازتفسیر مارکسیسم بر مبنای «اصل امید» است. (همان، ص ۱۱۰)

### روش‌شناسی

«روش ساختارگرایی تکوینی» از آن‌هاست متفکر رومانیایی است. وی در مطالعه پدیده‌های انسانی و اجتماعی با بهره‌گیری از روشهای موجود سعی می‌کند. چارچوب تازه‌ای بیافریند که شناخت پدیده‌ها را دقیق‌تر می‌سازد. او بر یکجانبه‌گرایی و سطحی نگری کاربرد روشهای مطلقاً پوزیتیویستی در مطالعات اجتماعی به شدت می‌تازد و آن را جامعه‌شناسی محافظه‌کارانه می‌نامد.

محوری‌ترین مفهوم در دستگاه فکری گلدمن، کلیت است. می‌توان گفت مهم‌ترین تمایز میان روشهای مارکسیستی مطالعه پدیده‌های اجتماعی و انسانی و روشهای کارکردگرایانه و لیبرالی آن است که رویکردهای مارکسیستی پدیده‌های انسانی را در بستری از عوامل و پدیده‌های تأثیرگذار و تاریخ مطالعه می‌کنند. عمل انسانها را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ساختارهایی که او را دوره کرده‌اند مورد بررسی قرار داد. اگرچه باید در نظر داشت که این ساختارها دائماً در حال شکل‌گیری و تکوین‌اند.

شناخت اجزاء، تابع کل است و درک کل نیز به شناخت اجزا و ترتیب و نظام مناسبات آنها مشروط است. در دیدگاه گلدمن، درک هر پدیده بشری ممکن نیست مگر از رهگذر گنجاندن آن در ساختارهای عام‌تر زمانی - مکانی، ساختارهایی که این پدیده جزئی از آنهاست.

از سوی دیگر شناخت پدیده‌ها، فرآیند دوگانه دریافت و تشریح است. دریافت یعنی روشن کردن ساختار معنادار درونی موضوع بررسی و تشریح

گلدمن اعتقاد دارد نخستین مسئله جامعه‌شناسی رمان، رابطه فرم رمانی و ساختار اجتماعی است

فرم رمانی در میان همه صورتهای ادبی، بی‌واسطه‌ترین و مستقیم‌ترین پیوندها را با ساختارهای اقتصادی، به معنای دقیق کلمه، دارد

فرم رمانی در واقع برگردان زندگی روزمره در جامعه فردگرایی به زبان ادبی است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرم رمانی

فرم رمانی

فرم رمانی

فرم رمانی

فرم رمانی

فرم رمانی

فرم رمانی

فرم رمانی

فرم رمانی

یعنی گنجاندن این ساختار و معنادار درونی به عنوان عنصر سازنده و کارکردی، در یک ساختار بی‌واسطه فراگیر.

پس پژوهش در علوم انسانی باید در دو سطح صورت گیرد: موضوع پژوهش و ساختار فراگیر. دریافت، مرحله اول فعالیت پژوهشی و نوعی تفسیر است و تشریح، بیرون از تفسیر قرار دارد و به زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دربرگیرنده ساختار برمی‌گردد. ساختارها نیز دائماً در حال تکوین‌اند و دستخوش دگرگونی‌ها می‌شوند و در واقع باید به پویایی درونی ساختارها در هر بررسی اجتماعی، توجه شود. این دیالکتیک دریافت - تشریح در روش گلدمن، بر یک فرض روش‌شناختی

مجوی استوار است: اجزا و ساختارها در یک کلیت، خصلت کارکردی دارند. ساختارها مطابق عمل انسان در حال تغییرند به گونه‌ای که با شرایط پیشین گاه در تضاد می‌افتند اما دائماً در یک شرایط پویا، به تعادلی جدید می‌رسند که باز این تعادل به هم می‌خورد و تعادل‌یابی جدیدی حاصل می‌شود. پس جامعه همواره در معرض ساختارآفرینی - ساختار شکنی است.

تأکید گلدمن بر «تاریخ» و کاربرد آن در شناخت پدیده‌ها بسیار اساسی است. به نظر او هیچ یک از پدیده‌های انسانی، دریافت‌پذیر و تشریح‌شدنی نیستند مگر در بستر فرآیند تاریخی گسترده‌تری که آنها را در برمی‌گیرد.

در اینجا او به موضوع «طبقه» نیز توجه ویژه دارد چرا که این طبقات اجتماعی‌اند که با عمل خود تاریخ را می‌سازند و گروه‌هایی هستند که عملشان شایستگی ویژه‌ای برای دگرگونی‌های تاریخی فراهم می‌سازد. از میان این گروه‌های اجتماعی، وی به طبقه کارگر (پروولتاریا) نیز نظر دارد. از رهگذر این مفهوم، به مفهوم «آگاهی ممکن» در دستگاه فکری گلدمن می‌رسیم. وی معتقد است تنها طبقه کارگر است که آگاهی ممکن او بیش از همه به واقعیت نزدیک است. مفهوم «آگاهی ممکن»، مفهومی است که گلدمن از کتاب «تاریخ و آگاهی طبقاتی» لوکاچ اخذ کرده ولی آن را بسط و توسعه داده است. آگاهی ممکن سطحی از آگاهی است که نه با واقعیت عینی یگانه است و نه با وضعیت واقعی آندیشه در زمانی معین. در واقع نوعی آگاهی بینابینی است. گلدمن معتقد است یکی از اشتباه‌های اساسی جامعه‌شناسی بورژوازی نادیده گرفتن این سطح و بررسی صرف آگاهی واقعی از رهگذر پرسشنامه‌ها، نظرسنجی‌ها و بررسی افکار عمومی و مانند آنهاست. او چنین روشهایی را در جامعه‌شناسی تقد می‌کند و معتقد است که از این روشها ما به درک پدیده‌های اجتماعی نمی‌رسیم و این نوعی جامعه‌شناسی محافظه کارانه است که فاقد بُعد تاریخی ساختارهای اجتماعی است. بدین ترتیب در روش «ساخت‌گرایی تکوینی»، توجه به تاریخت پدیده‌ها و به تاریخ ساختارها امری ضروری است.

گلدمن دقیقاً بر مبنای همین مفاهیم است که پژوهشهای خود را در جامعه‌شناسی ادبیات سامان می‌دهد. به عقیده وی ساختارهای ادبی با ساختارهای اجتماعی پیوندی وثیق دارند. پس باید هر اثری را در کلیت آن مورد تحلیل قرار داد و ربط آن را با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی پدیدآورنده‌اش، شناسایی نمود.

از این رو مسئله اصلی در جامعه‌شناسی ادبیات، بازیافتن مسیری است که واقعیت تاریخی و اجتماعی از رهگذر احساس فردی آفریننده، در اثر ادبی مورد بررسی، بیان شده است. «ساخت‌گرایی تکوینی» نوعی روش کار است که به پژوهشهای تجربی طولانی و صبورانه و مستمر نیاز دارد.

### معرفی کتاب

جامعه‌شناسی ادبیات چنانکه اشاره شد حاصل پژوهشی است که انستیتوی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد بروکسل در سال ۱۹۶۱ به لوسین گلدمن پیشنهاد کرد. گلدمن، کار را با دو الگوی مورداستفاده در نظریه رمان لوکاچ و دروغ رمانتیک و حقیقت رمانی رنه ژیرار شروع می‌کند.

کتاب مشتمل بر چهار فصل، سه پیوست و واژه‌نامه‌ها و نمایه نامه‌هاست. عناوین فصول به ترتیب عبارت‌اند از: «مقدمه‌ای بر مسائل جامعه‌شناسی رمان»، «درآمدی بر بررسی ساختاری رمانهای مالرو»، «رمان نو و واقعیت مانا» و «روش ساخت‌گرایی تکوینی در تاریخ ادبیات». پیوستها حاوی مطالبی انتقادی درباره رمان نو و واقعیت و نقدی بر دیدگاه گلدمن است به علاوه زندگینامه مختصری از وی.

گلدمن در فصل اول کوشیده است چارچوب بررسی جامعه‌شناختی رمان را



رمان قهرمان پروبلماتیک با دوران اقتصاد آزاد  
انطباق دارد  
و به ارزش زندگی فردی وابسته است

گلدمن رمانها را به سه دسته تقسیم می‌کند:  
رمان قهرمان پروبلماتیک، رمان بدون شخصیت  
و رمان دوران گذار

رمان بدون شخصیت  
با جوامعی انطباق دارد که در آنها بازار آزاد  
و فردگرایی پشت سر گذاشته شده است

## آگاهی جمعی،

## نه واقعیتی نخستین است و نه واقعیتی مستقل

ارائه دهد. وی معتقد است بر مبنای دیدگاه لوکاج سه نمونه سازندهٔ رمان عبارتند از رمان ایده‌آلیسم انتزاعی (دن کیشوت)، رمان روانشناختی (اوبلوموف) و رمان آموزشی (هانری سبز). تحلیلهای ژرار نیز به این دسته‌بندی نزدیک است با این تفاوت که او نکاتی را به تمثیل لوکاج افزوده است. گلدمن با شرح دو دیدگاه لوکاج و ژرار دربارهٔ رمان و نقد آنها طرح خود را دربارهٔ جامعه‌شناسی رمان عرضه می‌دارد. گلدمن اعتقاد دارد نخستین مسئله جامعه‌شناسی رمان رابطهٔ فرم رمانی و ساختار اجتماعی است که این فرم درون آن تکامل یافته است؛ یعنی رابطهٔ رمان به مثابه یک گونهٔ ادبی و جامعه فردگرایی مدرن.

وی اظهار می‌دارد فرم رمانی در واقع، برگردان زندگی روزمره در جامعه فردگرایی است که زادهٔ تولید برای بازار است، به زبان ادبی. میان فرم ادبی رمان و رابطهٔ روزمرهٔ انسانها با کالاها به طور کلی و به معنایی گسترده‌تر، رابطهٔ روزمره انسانها با انسانهای دیگر در جامعه‌ای که برای بازار تولید می‌کند، همخوانی دقیق وجود دارد.

اما پیش از شرح این همخوانی باید فرایندی را که از طریق آن فرم ادبی بر مبنای واقعیت اقتصادی، آفریده می‌شود و نیز دگرگونیهای را که در اثر بررسی این فرایند باید در برداشت سنتی از مشروط بودن جامعه‌شناختی آفرینش ادبی پدیدآورد بررسی نمود.

رابطهٔ میان اندیشهٔ جمعی و آفرینشهای عظیم فردی ادبی و فلسفی و کلامی بر انسجام و همخوانی ساختارهای آنها استوار است.

در عین حال آگاهی جمعی، نه واقعیتی نخستین است و نه واقعیتی مستقل. این آگاهی به طور ضمنی در مجموعهٔ رفتار افراد شرکت‌کننده در زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، پیروده می‌شود.

فصل دوم یا بخش اصلی کتاب به بررسی ساختاری رمانهای آندره مالرو می‌پردازد. چنانکه اشاره شد گلدمن در روش‌شناسی خود دو مرحله را مدنظر قرار می‌دهد: تشریح و دریافت. وی توضیح داده است که مرحلهٔ تشریح در واقع مرحله تحلیل درونی اثر است و مرحلهٔ دریافت، انطباق آن با ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و بستر تاریخی. گلدمن اذعان دارد که در این فصل فقط به نخستین مرحله یعنی تحلیل درونی آثار مالرو پرداخته و طرحی دربارهٔ ساختارهای معنادار درون آنها ارائه داده و مرحلهٔ دریافت را به فعالیتهای آتی موکول کرده است. میان نخستین نوشته‌های مالرو (قلمرو فارفلو - ماههای کاغذی - وسوسهٔ غرب) و نوشته‌های بعدی (فاتحان جاده شاهی - سرنوشت بشر) تفاوت‌های محتوایی و صوری وجود دارد.

آثار دورهٔ نخست، سرگذشت‌های خیالی و تمثیلی‌اند و نشانگر مرگ خدایان و فروپاشی ارزشها. اما در آثار بعدی، مالرو، جهانهای می‌آفریند تابع ارزشهای مثبت و عمومی.

گلدمن این فرضیه را مطرح می‌سازد که آثار مالرو متأثر از بحران ارزشهای است که وجه مشخص اروپای غربی در دوران نگارش این آثار بوده‌اند و آفرینش رمان، با دوره‌ای انطباق دارد که مالرو اعتقاد داشته است می‌تواند به رغم تمامی موانع، موجودیت برخی از ارزشهای راستین و جهانگستر را حفظ کند.

گلدمن معتقد است پدیده‌های واحد اگر در ساختارهای فکری متفاوت گنجانده شوند می‌توانند معانی و ارزشهای متضاد بیافرینند و این نکته را با شکافی که میان دو دوره نویسندگی مالرو نشان می‌دهد تحلیل می‌کند. در واقع، دگرگونی کیفی اثر و اندیشهٔ مالرو، نتیجهٔ محتوای جدیدی است که ابزارهای بیان خاص خود را می‌آفریند.

به اعتقاد گلدمن، مالرو در فاصلهٔ میان «فاتحان» و «سرنوشت بشر»، دو اثری که در نیمه دوم نویسندگی‌اش نوشته، کسی است که به ارزشهای جهانگستر هرچند که نزدیک‌آمیز و ناروشن باشند، باور دارد و با این آثار است که مالرو به نویسندهٔ بزرگ قرن تبدیل می‌شود. چرا که راه حلی جدید و بدیع برای مهم‌ترین مسئلهٔ زمان خود ارائه می‌دهد: معنا دادن به زندگی در دوران بحران عام ارزشها.

گلدمن گزار میان این دو صورت رمانی را چنین شرح می‌دهد: دو صورت رمانی در آثار مالرو با مجموعه ساختار اجتماعی و اقتصادی پیوندی درک‌پذیر دارد. صورت نخست یعنی رمان قهرمان پروبلماتیک، با دوران اقتصاد آزاد انطباق دارد و به ارزش

## رمان دوران گذار،

## خاص دوران گذار است

## یعنی از یک سو بنیاد اقتصادی و اجتماعی

## فردگرایی نابود شده

## و در نتیجه نویسندگان نمی‌توانند

## به صرف شخصیت پروبلماتیک بسنده کنند،

## و از سوی دیگر تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

## هنوز آن قدر پیشرفت نکرده است که

## شرایط تبلور قطعی رمان

## بدون قهرمان یا شخصیت را بپذیرد

زندگی فردی وابسته است ارزشی که اعتبار جهانگستر و مبنای واقعی دارد. صورت دوم، رمان بدون شخصیت (غیرزندگی نامهای) است که با جوامعی انطباق دارد که در آنها بازار آزاد و همراه با آن فردگرایی پشت سر گذاشته شده است. این دوران گذار، به دلیل آن است که از یک سو بر اثر نابودی بنیاد اقتصادی و اجتماعی فردگرایی، نویسندگان، دیگر نمی‌توانند به صرف شخصیت پروبلماتیک بدون پیوند دادن او با واقعیتی که بیرون از اوسته بسنده کنند و از سوی دیگر، تحول اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، هنوز آن قدر پیشرفت نکرده است که شرایط تبلور قطعی رمان بدون قهرمان و بدون شخصیت را بپذیرد. بنابراین از نظر گلدمن رمانها چند دسته‌اند: رمان قهرمان پروبلماتیک، رمان بدون شخصیت و رمان دوران گذار.

گلدمن، علاوه بر کتابها، مقالات و سایر نوشته‌های مالرو را نیز مورد بررسی قرار داده است. از نظر او «گردونهای آلتینبورگ» اثری حقیقتاً ادبی است و مالرو پس از آن به فعالیتی تازه با کیفیتی متفاوت می‌پردازد. بدین خاطر که شرایط اجتماعی نیز تغییر کرده و دوران پس از جنگ جهانی دوم است. سرمایه‌داری غرب دوره تازه‌ای را آغاز نموده و از سرمایه‌داری بحران به سرمایه‌داری سازمان یافته بدل شده است.

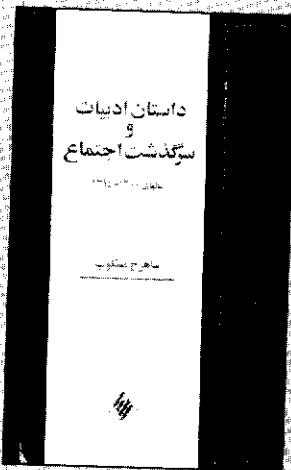
سومین فصل کتاب متن سخنرانی گلدمن در میزگردی با شرکت ناتالی ساروت و آلن رب گریه در بروکسل است.

گلدمن وجه مشترک ایشان را برگزیدن فرمی متفاوت با فرم رمان‌نویسان قرن نوزدهم معرفی می‌کند، چرا که در رمانهای خویش در وهلهٔ نخست با توصیف و تشریح یک واقعیت انسانی سروکار دارند. اما تفاوت آنان در شیوهٔ نگارش به فرایند دگرگونی است. به نظر گلدمن، آلن رب گریه در این مورد روشن‌بین‌تر است چون باور دارد که در عرصهٔ انسانی، واقعیتی تغییرناپذیر وجود ندارد.

گلدمن از ماهیت دگرگونیهای اجتماعی سخن می‌گوید که نیاز به صورت رمانی جدید را آفریده‌اند و با ذکر نمونه‌هایی از آثار ساروت و رب‌گریه، این دگرگونی‌ها را نشان می‌شود و بر این اعتقاد خود که در میان همهٔ صورت‌های ادبی صورت رمانی،



داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع  
 سالهای ۱۳۰۰-۱۳۱۵  
 شاهرخ مسکوب  
 نشر و پژوهش فرزاد  
 ۱۳۷۲، ۲۴۲ صفحه، ۳۰۰۰  
 نسخه، ۵۰۰ تومان



داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع نگاهی است تحلیلی به دگرگونی وضعیت ادبیات در سالهای اول قرن چهاردهم هجری. نویسنده سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۵ را آغازگر نگارش شیوه جدیدی از ادبیات در ایران می‌داند که نگاه و نگرش تازه نویسنده ایرانی را به جهان طبیعت و رمز و راز عشق و شور و شر اجتماع در بردارد. تحولی نو در شعر که منحصر به آن نمی‌ماند و فرصه زمان و داستان نویسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنچه باعث این گذار بود از عوامل سرچشمه می‌گرفت: «امید به دگرگونی» و «اندیشه تجدیدخواهی»

این دوران پانزده ساله با شکل‌گیری آثاری چون «یکی بود یکی نبود چهارزاده»، «ز بهای حجازی»، و «افسانه نیمه همراه بود. کتاب با توجه به این دگرگونی و با نگاهی تحلیلی می‌کوشد نظر به دورانی افکند که شعر شاعری مثل نیما از بیوستگی تام با زمان و مکان نشأت می‌گیرد. در این بررسی تاریخی، اجتماعی، عشق و دگرگونی در مفهوم آن، راه‌هایی اندیشه فردیت به ادبیات، سرنویشت متفاوت زن در این دوره تکوین احساسات جدید در مواجهه با دیوانسالاری نوین و همچنین موضوعات دیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. آثار محمد حجازی، عشقی عارف، نیما، مشفق کاطلی و چندین دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. کتاب با شرحی درباره ملی‌گرایی، نم‌گر و فرهنگ کشور گشوده می‌شود تا در آینه‌نشانی از خاستگاه اجتماعی ادبیات به دست داده شود. در این فصل نویسنده با ذکر شمه‌ای از تاریخ معاصر ایران و مشخص نمودن بعد زمانی واقعی که نویسندگان و شاعران مورد بحث در آن زندگی می‌کرده‌اند معتقد است که «سرنویشت تاریخی آنان سرگذشت اجتماع‌شناسان را رقم می‌زند نه سرنویشتی بفقیر از عالم بالا بلکه گرد آمدن اتفاقی و بیرون از اراده یک سلسله در هم پیچیده عوامل و پدیده‌ها در یک زمان و مکان»

فصل دوم کتاب با عنوان «افسانه طبیعت» به منظومه نیما می‌پردازد و به نگاه تازه نیما به طبیعت اشاره می‌کند و آن را در مقابل نگاهی قرار می‌دهد که شاعرانی چون منوچهری و فرخی یا آن می‌نگریسته و می‌سروده‌اند. نویسنده این دو نگرش متفاوت را معلول دوره‌های تاریخی متفاوتی می‌داند که شاعران کلاسیک و شاعران نوپرداز را از هم متمایز می‌کند. فصل سوم کتاب نیز تقابل دو جهان بینی متفاوت را مدنظر قرار می‌دهد و سعی می‌کند خواننده را در معرض جنبه‌های تاریخی قرار دهد که باعث می‌شود حتی مفهوم عشق در نزد شاعران متفاوت جلوه کند. «مریم ناکام عشقی و عشق کامروای نظلی و خواجوی» موضوع مورد بحث این فصل از کتاب است.

فصل چهارم با عنوان «قصه پرغصه یارمان حقیقی» به زن می‌پردازد. زنی که در مسیر تحول زمان و داستان به ادبیات این زمان راه یافته و در مورد او اندیشیده می‌شود. نویسنده با بررسی زمان حقیقی نوشته عارف و طهران مخوف مشفق کاطلی به موضوعات اجتماعی مورد توجه این رمانها می‌پردازد و وجه دیگری از شخصیت زن را در ادبیات آن روزگار بر ما روشن می‌کند. نویسنده این گونه این وضعیت را مورد سنجش قرار می‌دهد: «از این پس حقیقت حال زنان را در زمان می‌توان جست. زیرا تنها در این نوع مدرن و بی‌سابقه برای ماست که می‌توان سرگذشت فرد را در پیچ و خم پیوندهای همگانی جای داد و آن را در دستگاه سازماندهی اجتماع باز نمود»

در پنجمین فصل رمان «زینب» حجازی که در نیمه پانجاهی و اوج قدرت بی‌چون و چرای رضاشاه منتشر شد مورد تحلیل نویسنده قرار می‌گیرد. «موضوع این رمان گونه‌ای از دیوانسالاری جدید در ایران و انتقال روش حکومت ایلی روستایی به دولت متمرکز سراسری است. نویسنده به این دلیل رمان «زینب» حجازی را در جامعه‌شناسی و تاریخ ادب آغاز این قرن دارای جایگاه ویژه می‌داند که سنت روستا و آشوب شهر، چگونگی دیوانسالاری نوپدید و پیامهای همگانی و فردی آن را باز می‌نماید»

کتاب نزاری سه پیوست است. «قصه پرغصه یارمان حقیقی» به قلم عارف «شیرین کلاه» و «صبح و شب» رمانهای نوشته شده به قلم حجازی نمونه نثرهایی است که نویسنده برای آشنایی بیشتر خوانندگان با شیوه نگارش آن دوره ارائه داده است. از نکات قابل ذکر در رابطه با این کتاب پانزدهم فصلی است که در پایان هر فصل آمده است.

بی‌واسطه‌ترین و مستقیم‌ترین پیوندها را با ساختارهای اقتصادی به معنای دقیق کلمه دارد، تأکید می‌کند.

فصل چهارم کتاب به شرح روش ساختگرایی تکوینی در تاریخ ادبیات اختصاص یافته است.

گلدمن خاستگاه ساختگرایی تکوینی را این فرضیه معرفی می‌کند که هر رفتار انسانی کوششی است برای دادن پاسخی معنادار به وضعیتی خاص، و از این رهگذر، بر آن است تا تعادلی میان فاعل عمل و موضوع عمل (یعنی جهان پیرامون آدمی)، برقرار کند. این گرایش به تکرار همیشه حالتی گذرا و ناپایدار دارد وی در پاسخ به اینکه آفریننده واقعی اندیشه و عمل چه کسی است؟ جمع را آفریننده واقعی به شمار می‌آورد اما در عین حال از نظر دور نمی‌دارد که جمع، چیزی به جز شبکه پیچیده‌ای از مناسبات میان افراد نیست. حال آنکه اگر فرد را آفریننده اثر بدانیم، بیشترین بخش اثر مورد بررسی را در ردیف امور تصادفی قرار داده‌ایم.

چنانکه اشاره شد یکی از پیوستهای کتاب به نقد دیدگاه گلدمن اختصاص دارد که توسط دکتر جمشید مصباحی پور ایرانیان صورت گرفته است. لب کلام اینکه به اعتقاد ایرانیان پدیده شی‌وارگی که محور تعریف گلدمن است با سایر مفاهیم وی همچون «گاهی ممکن» و «امکان عینی»، ناسازگار است. چرا که با بدیهی شمردن رابطه مستقیم ساخت اقتصادی و کالبد رمانی، گلدمن به سوی یک برداشت مکانیکی از جریان اجتماعی تاریخ رفته است. هرچند در رمانهای فارسی نیز یک همگونی استوار میان کالبد رمانی و کالبد اجتماعی مشهود است ولی این همگونی با آنچه گلدمن می‌گوید یکسان نیست.

**منابع:**

۱. سینگر، پتر (۱۳۷۹) مارکس، محمد اسکندری، تهران: انتشارات طرح نو.
۲. گلدمن، لوسین (۱۳۷۶) جامعه، فرهنگ ادبیات، محمدجعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.
۳. وین، فرانسیس (۱۳۸۱) کارل مارکس، شیوا رویگریان، تهران: انتشارات ققنوس.